



9 دروغ سیاست خارجی آمریکا

کارشناس بنیاد آمریکایی نوین طی مقاله‌ای 9 دروغ و اشتباه موجود در سیاست خارجی آمریکا همچون خطر بروز حمله اتمی علیه آمریکا و یا خطر گرمایش زمین را مورد بررسی قرار داده است.

کارشناس بنیاد آمریکایی نوین طی مقاله‌ای 9 دروغ و اشتباه موجود در سیاست خارجی آمریکا همچون خطر بروز حمله اتمی علیه آمریکا و یا خطر گرمایش زمین را مورد بررسی قرار داده است.

به گزارش فارس، "مایکل لیند" کارشناس بنیاد "آمریکایی نوین" در مقاله‌ای، 9 شایعه و دروغ موجود در سیاست خارجی آمریکا را بیان و مورد بررسی قرار داده است.

لیند در ابتدای این مقاله می‌نویسد: چرا خطاهای سیاست خارجی آمریکا همواره تکرار می‌شود؟ شاید دلیل این امر تصورات اشتباه سیاستمداران آمریکایی از شرایط فعلی و آینده جهان باشد.

این کارشناس بنیاد آمریکایی نوین در ادامه به معرفی 9 اشتباه و دروغ سیاست خارجی آمریکا می‌پردازد:

1- طی 10 سال آینده یک بمب هسته‌ای در یکی از شهرهای آمریکا منفجر می‌شود
"تام کلنسی" چنین سناریویی را در کتاب "مجموع همه ترس‌ها" در سال 1991 پیش‌بینی کرده بود و این مسئله همچنان یکی از بحث‌های عامه مردم است.

در همین حال، "گراهام الیسون" استاد دانشگاه هاروارد نیز در کتاب "تروریسم هسته‌ای" که سال 2004 منتشر شد، ادعا کرد که حداقل 50 درصد احتمال دارد که یک بمب هسته‌ای طی یک دهه آینده در یکی از شهرهای آمریکا منفجر شود. سال 2006 نیز "متیو بان" از همکاران الیسون یک مدل ریاضی را طراحی کرد که با احتمال 29 درصد انفجار یک بمب هسته‌ای در ده سال آینده را پیش‌بینی می‌کرد.

حقیقت این است که با وجود آنکه هنوز چنین اتفاقی رخ نداده است، مقامات امنیتی و سران سیاسی آمریکا همچنان به برآوردهای به ظاهر درست و در واقع فریبنده‌ای که احتمال بروز یک هولوکاست هسته‌ای را پیش‌بینی می‌کند، اتکا کرده‌اند.

جو ترس ناشی از این پیش‌بینی‌ها نیز به آسانی برای اهداف سیاسی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. برای مثال دولت جورج بوش پسر با دلایل واهی و به بهانه دروغ مجهز بودن عراق به سلاح هسته‌ای به این کشور حمله کرد. هم‌اکنون نیز باراک اوباما تروریسم هسته‌ای را "بزرگترین تهدید" حال حاضر ایالات متحده توصیف می‌کند.

2- جهان باید سریعاً خود را با اتمام سوخت‌های فسیلی وفق دهد
این پیش‌بینی‌های اشتباه دست‌کم از سال 1865 که "ویلیام استنلی جیونز" اقتصاددان انگلیسی دو کتاب "تفحصی در پیشرفت ملت" و "تخلیه احتمالی معدن‌های ذغال سنگ ما"، وجود داشته‌اند.

انتشار چنین کتاب‌هایی در سال 1865 در حالی بود که معادن ذغال سنگ انگلیس تا یک و نیم قرن بعد از آن نیز وجود داشتند. از سویی دیگر به اندازه نیاز صدها سال دیگر معادن ذغال سنگ کشف نشده در جهان وجود دارد.

هم‌اکنون نیز چنین اقداماتی با پیش‌بینی زمان اتمام ذخایر نفتی جهان صورت می‌گیرد. و گفته می‌شود که بزودی بیش از نیمی از ذخایر نفتی دنیا تخلیه شده و پس از دوران طولانی کمبود نفت، عصر فناوری‌های جدید انرژی شروع خواهد شد. این در حالی است که برای مثال با توجه به ابداع شیوه‌های جدید استخراج مجدد از منابع نفتی بهره‌برداری شده، به زودی گاز طبیعی به اندازه‌ای بسیار بیشتر از آنچه در چند سال گذشته قابل تصور بود، فراهم می‌شود.

اما مسئله این است که تاجران نفتی همچون "بون پیکنز" و "یا جیمز ووسلی" رئیس سابق سازمان سیا به این خاطر از جوامع صنعتی می‌خواهند که اتکایشان به سوخت‌های فسیلی را کاهش دهند که وابستگی به کشورهای نفت‌خیز که در زمره دشمنان آمریکا هستند کاهش پیدا کند.

3- اروپایی‌ها صلح‌جو هستند

در کتاب "بهشت و قدرت" اثر "رابرت کاگان" آمده: آمریکایی‌ها از مریخ و اروپایی‌ها از ونوس آمده‌اند.

در فوریه سال 2010، رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا اظهار داشت: غیرنظامی شدن اروپا از یک آرزوی خیرخواهانه در قرن بیستم تبدیل به مانعی بر سر راه دستیابی به امنیت واقعی و صلح پایدار در قرن بیست و یکم شده است.

این در حالی است که بودجه‌های نظامی قدرت‌های اروپایی به شدت بالا است. در واقع چیزی که آمریکایی‌هایی که صلح‌جویی مورد ادعای اروپایی‌ها را آزار می‌دهد، مخالفت آن‌ها با جنگ عراق و یا خودداری از حضور بیشتر در جنگ افغانستان است. زیرا در واقع اروپایی‌ها به هیچ وجه صلح‌جو نیستند و هزینه‌های زیادی را برای تقویت نظامی خود انجام می‌دهند.

4- باران‌های جنگلی بزودی وجود نخواهند داشت
این مسئله نیز، اغراق دیگری است که آمریکاها به بهانه اهداف خیرخواهانه به آن دامن زده‌اند. دهه 80 را به یاد بیاورید که به نظر می‌رسید در جنگل آمازون دیگر باران نخواهد بارید و تصور می‌شد که بشریت با تهدید کمبود اکسیژن روبرو می‌شود.

در آن زمان نیز "توماس لاجوی" مسئول صندوق "زندگی وحشی جهانی پیش‌بینی کرد که 50 درصد درختان آمریکای لاتین تا سال 2000 از بین می‌روند.

ال‌گور نیز در کتاب "زمین در تعادل" ادعا کرد که باران‌های جنگلی در حال نابودی هستند و در هر ثانیه یک و نیم جریب از خاک زمین از این باران‌ها محروم می‌شود.

این در حالی است که روزنامه نیویورک تایمز سال 2009 در گزارشی نوشت: تشکیل سریع جنگل‌های جدید در آمریکای لاتین، آسیا و دیگر مناطق گرمسیری، چالش جدی را در مورد لزوم ذخیره باران‌های جنگلی ایجاد کرده و این سوال را مطرح می‌کند که آیا چنین اقدامی آنطور که گفته می‌شود ضروری است؟

در حقیقت به ازای هر جریب باران جنگلی که سالانه کاهش می‌یابد، بیش از 50 جریب جنگل در سرزمین‌های گرمسیری ایجاد می‌شود. و با توجه به فناوری‌های پیشرفته کشاورزی این امکان بوجود آمده که از هر جریب زمین در کشورهای نیم‌کره شمالی مثل کانادا، آمریکا و کشورهای اروپایی، غذای بیشتری بدست آید و در نتیجه مزارع سابق نیز تبدیل به جنگل شوند.

5- بزودی یک بیماری در جهان فراگیر می‌شود
اگرچه تهدید وقوع یک بیماری جهانی وجود دارد اما اغلب این تهدید اغراق و بزرگ‌نمایی می‌شود. در چند سال گذشته جهان دو بیماری فراگیر یعنی آنفلونزای مرغی و آنفلونزای خوک را تجربه کرده است. در مورد هر دوی این بیماری‌ها بزرگ‌نمایی شد اما در نهایت از بیش از 6 میلیارد جمعیت جهان تنها 8 هزار و 768 نفر بر اثر آنفلونزای خوک و 306 نفر بر اثر آنفلونزای مرغی از دنیا رفتند.

با این وجود رسانه‌هایی همچون بی.بی.سی به بزرگ‌نمایی تهدید این بیماری‌ها پرداخته و با بیان این مطلب که "نمی‌توان آنفلونزای مهلک خوک را تحمل کرد" طوری خطر این بیماری را جلوه دادند که گویی در مورد خطر اشاعه تسلیحات هسته‌ای سخن می‌گویند.

6- آمریکا در رقابت خطوط فوق پرسرعت راه‌آهن شکست می‌خورد
رقابت در فناوری فضایی یک منطق نظامی داشت. اما باید بدانید که اوباما سال 2009 تصمیم گرفت تا غبار از طرح دوران جیمی کارتر برای ساخت خطوط فوق پرسرعت راه‌آهن بزداید.

توجه این کار نیز تنها یک کلمه است: ژاپن، کشوری که اولین سامانه خطوط راه‌آهن فوق پرسرعت را رونمایی کرد و هم‌اکنون نیز در حال ساخت نمونه بعدی است. با این حال وجود نسل جدید قطارهای بسیار پرسرعت که توکیو را به اوساکا وصل می‌کند، هیچ کمکی به بازیابی اقتصاد ژاپن از رکود کنونی نکرده است و قطعاً چنین کمکی به اقتصاد آمریکا هم نخواهد کرد. در واقع مسایل بسیار مهم‌تری از هزینه صدها میلیارد دلاری ساخت قطارهای پرسرعت وجود دارد. در مورد پروژه‌های حمل و نقل نیز متاسفانه پروژه‌های منطقی‌تری مثل جاده‌های هوشمند و راه‌های آبی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

7- تغییرات آب و هوایی موجب مهاجرت‌های گسترده خواهد شد
این موضوع را نیز باید به داستان‌ها و پیش‌گویی‌های عصر مدرن اضافه کرد. میلیون‌ها میلیون مهاجر با افزایش شدید سطح آب دریاها و کاهش بیابان‌ها از مرزهای کشورشان خارج می‌شوند.

بنیاد "عدالت محیط زیست" پیش‌بینی کرده است که 150 میلیون نفر در نتیجه افزایش گرمای جهانی در سال 2050 آواره می‌شوند. ان.جی.او "کریستین اید" نیز پیش‌بینی کرده که تا سال 2050 یک میلیارد نفر مجبور به ترک خانه‌هایشان می‌شوند. در همین حال این نهادها همچنین پیش‌بینی کرده‌اند که 250 میلیون نفر از 1 میلیارد آواره، کشورهایشان را ترک نمی‌کنند و به

همین خاطر و در نتیجه بروز پدیده‌های ناشی از تغییرات آب و هوایی مثل سیل، خشکسالی و طوفان، برای همیشه بی‌خانمان خواهند ماند. و مقابله با این بحران‌ها هم بزودی ممکن نبوده و دولت‌ها بیش از 40 سال درگیر این مشکلات خواهند بود.

8- به اشتراك گذاري منابع آب مي‌تواند صلح را به خاورميانه بياورد
این همان راه حلی است که به راه حل تشکیل دو کشور و یا راه حل رودخانه واحد نیز نامیده می‌شود. این ایده که پروژه‌های به اشتراك گذاري آب مي‌تواند تنش‌ها بين همسايگان متخاصم را کاهش دهد از سابقه طولاني برخوردار است.

در جریان جنگ ویتنام، لیندون جانسون رئیس‌جمهوری آمریکا گفت که شمال و جنوب ویتنام باید اختلافات خود را کنار گذاشته و با همکاری یکدیگر از رودخانه "مکونگ" برق تولید کنند. که البته به این پیشنهاد توجهی نشد.

در دهه 90 میلادی نیز "بوتروس بوتروس گالی" دبیر کل سازمان ملل متحد بارها هشدار داد که جنگ بعدی در خاورمیانه جنگ بر سر آب خواهد بود، نه جنگ سیاست‌ها؛ اگرچه گذشت زمان نشان داد که او اشتباه می‌کرده است. اما سازمان‌های بین‌المللی مثل یونسکو اقدام به برگزاری کنفرانس‌هایی مثل "آب: کاتالیزوری برای صلح" برگزار کردند. اما با این حال مسایل اساسی یعنی قلمرو حاکمیت، مسایل جغرافیایی و تفاوت ایدئولوژی‌ها همچنان باقی است. به عبارت دیگر، توافقنامه‌های به اشتراك گذاري آب، تاثیر صلح هستند، نه مسبب آن.

9- کشور واحد و متحد مرده است
در دهه 90 میلادی، "کنیچی اوهامی" ژاپنی پیش‌بینی کرد که کشورهای متحد و قومی به زودی با سیستم‌های منطقه‌ای و فراملی مثل اتحادیه اروپا جایگزین می‌شوند.

از سوي ديگر "پاراگ خانا" اخيرا طی مقاله‌ای در نشریه "فارین پالیسی" نوشته است: در قرن بیست و یکم دیگر آمریکا یا چین، برزیل یا هند بر دنیا چیره نخواهد بود، بلکه شهر است که حکومت می‌کند. به عبارت دیگر، اتحادهای شهری جایگزین کشورها می‌شوند.

"جان پرس بارلو" از بنیاد "جلوداران الکترونیک" نیز سال گذشته پیش‌بینی کرد که "ما در حال بازگشت به سوي حکومت‌های شهری هستیم"
اگرچه کارشناسان زیادی چنین مسایلی را مطرح کردند اما ظاهراً چنین پیش‌بینی‌هایی صحت ندارد. زیرا برای مثال وقتی القاعده به نیویورک حمله کرد، آیا پلیس نیویورک در پاسخ به این حمله به افغانستان یورش برد؟

یا وقتی بانک‌های لندن در سال 2008 با خطر فروپاشی روبرو بودند این کشور انگلیس بود که آن‌ها را نجات داد. در حقیقت وقتی شرکت‌های مالی جهانی دچار مشکل می‌شوند باز هم این دولت‌ها و کشورها هستند که باید به کمک‌شان بیایند.